

Zehi Zatun Nehanu Ol Nehandan Maseva Peyda

— faramarz-abdollahpur · 20 Kasım 2024



زهى ذاتت نھان از آن نھان، است ماسوا پيدا
يچارِ خلقتت را موج پيدا قعر ناپيدا

بلند و پستِ عالمِ شاهدِ فيضِ وجودت است
که بيهوده نشد خلق از عدم ارض و سما پيدا

کمالِ قدرتت اظهارِ حکمت تا کند کرده
زگردي تيره ها آيينه ي گيتي نما پيدا

دمادم گيرد عکس از قهرولطفتِ مِرآتِ عالم
برآن ظاهر کند گاهی کدورت گه صفا پيدا

گهی در خاک کرده حکمتت صد مه لقا پنھان
گهی صنّعت کند از خاک هزاران مه لقا پيدا

به اهل عالمين تا سّرِ علمت را کند اظهار
که کرده حکمتت در جمع کفار انبيا پيدا

نشانِ شفقتت کرده هويدايی برای شکر

ز طبع تيره ی شاعر کلام جانفزا پيدا

(۱۹۲/۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

"ترجمه فارسی شعر فصولی"

\$

زهی ذاتین نهان و اول نهاندان ماسوا پيدا

بحار صنونه امواج پيدا، قعر ناپيدا

بلند و پست عالم، شاهد فيض وجودوندور
دیگیل بیهوده اولماق، یوخ ایکن ارض و سما پيدا

کمال قدرتین اظهار حکمت قبلماغا، اتمیش
غبار تیره دن آیینه ی گیتی نما پيدا

دمادم عکس آلبر مرآت عالم قهر و لطفوندن
آنبنچون گه کدورت ظاهر ائيله، گه صفا پيدا

گهی توپراغا ائيله ر حکمتین بین مه لقا پنهان
گهی صنوعون قبلبر توپراقدان بین مه لقا پيدا

جهان اهلینه تا آسرار علمین فالمايا مخفی
قبلبیدر حکمتین کقار ایچینده انبیا پيدا

نشان شفقتین دیر کیم اولور اظهار حمدیچون
فصولی تیره طبعیندن کلام جانفزا پيدا